



Semiotic Study of Non-Verbal Communicative Elements in the Novels of *Bouraghiba House* by Ines Abbasi, and *Shabe Nasoor* by Ibrahim Hassanbeigi

Sakineh Azadi¹| Alireza Shohani²| Ayat Shokati³

1. Ph.D. student, Persian language and literature, Ilam state University, Ilam, Iran. E-mail: s.azadi275@gmail.com
2. Associate professor of Department of Persian language and literature, Ilam state University, Ilam, Iran. E-mail: a.shohani@ilam.ac.ir
3. Corresponding Author, Assistant Professor of Department of Persian Language and Literature, Khoy Branch, Islamic Azad University, Khoy, Iran. E-mail: shokati81@yahoo.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received: 24 November 2021

Received in revised form:
24 February 2022

Accepted: 14 March 2022

Keywords:

nonverbal omunication,
Bouraghiba House,
Ines Abbasi,
Shabe Nasoor,
Ibrahim Hassanbeigi.

ABSTRACT

Non-verbal Communicative Elements have an undeniable role in conveying intended concepts and subjects for which verbal communications fail to convey. Studies show that these communications are among most frequently used elements in modern novels and novelists, either consciously or unconsciously. Have applied them. Emphasizing on the American School of Comparative Literature and using the descriptive-analytical technique, the writers of the current study aim at scrutinizing a semiotic study of elements in the novels of *Bouraghiba House* by Ines Abbasi, and *Shabe Nasoor* by Ibrahim Hassanbeigi and the extent of the usage of these elements and their functions. The results of the study indicate that Ines Abbasi has used the elements 53 times which mostly express sadness and sorrow whereas in Hassanbeigi's novel, there are 120 Non-verbal communicative elements conveying concepts like stress and anxiety to the reader. In both novels the paralinguistic elements have the most usage in conveying the message; also, substitutive function is the mostly-used one and the next is complementary. Other functions have not been reflected in both novels.

Cite this article: Azadi, S., Shohani, A. Shokati, A. (2022). Semiotic Study of Non-Verbal Communicative Elements in the Novels of *Bouraghiba House* by Ines Abbasi, and *Shabe Nasoor* by Ibrahim Hassanbeigi. *Research in Comparative Literature*, 12 (2), 1-24.



© The Author(s).

Publisher: Razi University

DOI: [10.22126/JCCL.2022.7185.2333](https://doi.org/10.22126/JCCL.2022.7185.2333)



سيميائية عناصر الاتصال غير اللفظي في روايات منزل بورقيية لإيناس العباسي و شب ناسور لإبراهيم حسن بيكي

سكينة آزادي^١ | علي رضا شوهاني^٢ | آيت شوكتي^٣

١. طالبة الدكتوراه في فرع اللغة الفارسية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة إيلام، إيلام، إيران. العنوان الإلكتروني: s.azadi275@gmail.com

٢. أستاذ مشارك في قسم اللغة الفارسية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة إيلام، إيلام، إيران. العنوان الإلكتروني: a.shohani@ilam.ac.ir

٣. الكاتب للمسؤول، أستاذ مساعد في قسم اللغة الفارسية وآدابها، فرع خوي، جامعة الحر الإسلامية، خوي، إيران. العنوان الإلكتروني: shokati81@yahoo.com

الملخص

معلومات المقال

يلعب الاتصال غير اللفظي دوراً لا يمكن إنكاره في نقل المفاهيم والمواضيع التي يريدتها الشخص، والتي لا يستطيع الاتصال اللفظي التعبير عنها. تظهر الدراسات أن استخدام هذا النوع من الاتصال في الروايات المعاصرة أخذ في التوسع، وقد استفاد الكتاب منه عن قصد أو عن غير قصد. تم البحث في سيميائية عناصر الاتصال غير اللفظي في روايات منزل بورقيية لإيناس العباسي و شب ناسور لإبراهيم حسن بيكي ومدى استخدام المؤلفين لهذه العناصر، وشرح أيضاً الوظائف المقصودة لكل منهما متمسكا بالمدرسة الأمريكية للأدب المقارن وباستخدام المنهج الوصفي التحليلي. وتشير نتيجة البحث إلى أن إيناس العباسي استخدمت هذه العناصر في ٥٣ حالة معظمها تعبر عن مواضيع مثل الحزن و ... من ناحية أخرى، هناك ١٢٠ حالة اتصال غير لفظي في رواية حسن بيكي، والتي تنقل مفاهيم مثل القلق والتخوف للجمهور. في روايتي المؤلفين، كانت السلوكيات الصوتية هي الأكثر استخداماً في نقل الرسالة؛ أيضاً، الوظيفة الأكثر استخداماً هي الوظيفة الاستبدالية ثم الوظيفة الاستكمالية. وظائف أخرى لم تنعكس في الروايات.

نوع المقال: مقالة محكمة

الوصول: ١٤٤٣/٤/١٨

التقيق والمراجعة: ١٤٤٣/٧/٢٢

القبول: ١٤٤٣/٨/١١

الكلمات الدلالية:

الاتصال غير اللفظي،

إيناس العباسي،

منزل بورقيية،

إبراهيم حسن بيكي،

شب ناسور.

الإحالة: آزادي، سكينة؛ شوهاني، علي رضا؛ شوكتي، آيت (١٤٤٤). سيميائية عناصر الاتصال غير اللفظي في روايات منزل بورقيية لإيناس العباسي و شب ناسور

لإبراهيم حسن بيكي. بحوث في الأدب المقارن، ١٢ (٢)، ٢٤-١.



© الكتاب.

النشر: جامعة رازي

DOI: [10.22126/JCCL.2022.7185.2333](https://doi.org/10.22126/JCCL.2022.7185.2333)



نشانه‌شناسی عناصر ارتباطات غیر کلامی در رمان‌های منزل بورقیه از ایناس العباسی و شب ناسور اثر ابراهیم حسن بیگی

سکینه آزادی^۱ | علیرضا شوهانی^۲ | آیت شوکتی^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. رایانامه: s.azadi275@gmail.com
۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. رایانامه: a.shohani@ilam.ac.ir
۳. نویسنده مسئول، استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران. رایانامه: shokati81@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله

ارتباطات غیر کلامی نقشی غیر قابل انکار در انتقال مفاهیم و موضوعات مورد نظر فرد دارند که ارتباطات کلامی از بیان آن‌ها عاجز است. بررسی‌ها نشان می‌دهد کاربرد این نوع ارتباطات در رمان‌های معاصر نیز گسترشی روزافزون داشته و نویسندگان، آگاهانه یا غیر آگاهانه از آن بهره برده‌اند. پژوهش حاضر نیز با تکیه بر مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی نشانه‌شناسانه عناصر ارتباطات غیر کلامی در رمان‌های منزل بورقیه از ایناس العباسی و شب ناسور اثر ابراهیم حسن بیگی پرداخته و میزان بهره‌گیری نویسندگان از این عناصر و نیز کارکردهای مورد نظر هر یک را تبیین کرده است. حاصل پژوهش حاکی از آن است که ایناس العباسی در ۵۳ مورد از این عناصر بهره برده است که بیشتر بیانگر مضامینی مانند غم و اندوه و... است. در مقابل در رمان حسن بیگی ۱۲۰ مورد ارتباط غیر کلامی به چشم می‌خورد که مفاهیمی مانند اضطراب و دلهره و... را به مخاطب انتقال می‌دهد. در رمان هر دو نویسنده، عناصر پیرایان بیشترین کاربرد را در انتقال پیام داشته است؛ همچنین بیشترین کارکرد مورد استفاده آن‌ها، کارکرد جانشینی و پس از آن تکمیلی است. سایر کارکردها نیز در رمان‌ها بازتابی نداشته‌اند.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۲/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۳

واژه‌های کلیدی:

ارتباط غیر کلامی،
ایناس العباسی،
منزل بورقیه،
ابراهیم حسن بیگی،
شب ناسور.

استناد: آزادی، سکینه؛ شوهانی، علیرضا؛ شوکتی، آیت (۱۴۰۱). نشانه‌شناسی عناصر ارتباطات غیر کلامی در رمان‌های منزل بورقیه از ایناس العباسی و شب ناسور اثر ابراهیم حسن بیگی. *کاووش نامه ادبیات تطبیقی*، ۱۲ (۲)، ۲۴-۱.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه رازی

DOI: [10.22126/JCCL.2022.7185.2333](https://doi.org/10.22126/JCCL.2022.7185.2333)

۱. پیشگفتار

۱-۱. تعریف موضوع

نشانه‌های ارتباطی غیر کلامی بخش عظیمی از ادبیات شفاهی و مکتوب را به خود اختصاص داده است؛ چنان‌که «بردویسل»، یکی از پیش‌تازان و پیشروان مطالعات غیر کلامی، مشخص کرده است که فقط ۳۵٪ از معنی در یک وضعیت خاص با استفاده از «کلام» به دیگری منتقل می‌شود و ۶۵٪ باقیمانده آن در زمره «غیر کلامی» است. آلبرت مهربان^۱، پژوهشگر ایرانی - آمریکایی، نیز پیام‌های فرستاده‌شده در یک ارتباط بین‌فردی را تجزیه و تحلیل کرده و دریافته است که تنها ۷٪ از معنی با پیام‌های کلامی (در قالب کلمات و جملات) به مخاطب منتقل شده و ۹۳٪ از پیام‌ها که به گونه غیر کلامی انتقال یافته است، قابل تقسیم به این موارد است: ۳۸٪ با نشانه‌های آوایی و ۵۵٪ با نشانه‌های چهره‌ای (آفرهنگی، ۱۳۷۴: ۲۷۲-۲۷۳) که این امر لزوم تجزیه و تحلیل این نشانه‌ها را در متون مختلف روشن می‌سازد.

عنوان دیگری که در برخی از پژوهش‌ها به این نوع ارتباط داده شده، زبان بدن^۲ است؛ زبان بدن یکی از مهم‌ترین مسائلی است که از رشته‌هایی مانند فلسفه، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم ارتباطات به ادبیات راه یافته است. ادبیات فارسی و عربی نیز از این قضیه مستثنا نبوده و خواننده، شاهد حضور و کارکرد زبان بدن در لابه‌لای رمان‌ها و دیوان‌های شعر است؛ زیرا زبان بدن دارای کارکردهای معنایی و نشانه‌شناسی^۳ است که نقش مهمی در شکل‌گیری و تقویت عناصر داستانی دارند و «استفاده درست از ارتباطات غیر کلامی به شخصیت‌پردازی و فضاسازی کمک می‌کند و در نتیجه به خواننده در درک اثر یاری می‌رساند» (آذری و نیان، ۱۳۹۰: ۱۰۴).

دو رمان منزل بورقیه از ایناس العباسی^۴ و شب ناسور اثر ابراهیم حسن‌بیگی^۵ آثاری هستند که در ژانر سرگذشت‌نامه بوده و حکایت‌گر سرگذشت دو شخص هستند و درواقع می‌توان گفت که کل داستان به ذکر خاطرات دو قهرمان اصلی داستان اختصاص یافته است. پژوهش حاضر کوشیده با تکیه بر مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی و روش توصیفی - تحلیلی به بررسی نشانه‌های غیر کلامی در دو رمان بپردازد.

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف

هدف از پژوهش حاضر، نشان دادن جایگاه ارتباطات غیر کلامی در رمان‌های منتخب و شناسایی، معرفی و

1. Birdwhistell
2. Albert Mehrabian
3. Sound signs
4. Face signs
5. The body language
6. semiology

طبقه‌بندی ابزارها و شگردهایی است که العباسی و حسن‌بیگی برای روایت رفتارهای غیر کلامی شخصیت‌ها در رمان‌های خویش به کار برده‌اند؛ همچنین در این تحقیق نشان داده شده است که چگونه زبان بدن می‌تواند نقش‌هایی چون: مکمل بودن، جانشینی و... را در گفتگوهای کلامی و ارتباطات غیر کلامی شخصیت‌های روایی ایفا کند.

۳-۱. پرسش‌های پژوهش

- بارزترین حوزه‌های معنایی در رمان‌های مورد نظر، به تفکیک، کدام‌اند؟
- این نشانه‌ها در داستان‌نویسی و توصیف شخصیت‌های داستانی چه نقشی دارند؟
- بیشترین کارکرد پیام‌های غیر کلامی در رمان‌ها، به تفکیک، مربوط به کدام کارکرد است؟

۴-۱. پیشینه پژوهش

در مورد زبان بدن و ارتباطات غیر کلامی پژوهش‌های مختلفی انجام گرفته است که می‌توان به مقاله‌های «رمزگشایی از رفتارهای غیر کلامی در داستان روی ماه خداوند را ببوس» اثر سمیه میرزا ملاحمد (۱۳۹۰)، «تحلیل سیاسی زبان بدن در تاریخ بیهقی» نوشته علی اکبر باقری خلیلی و مرضیه زلیکانی (۱۳۹۴)، «تحلیل و رمزگشایی ارتباطات غیر کلامی در بوستان سعدی» اثر محمدحسین نیکدار اصل و محمدهادی احمدیانی پی (۱۳۹۵)، «بررسی تطبیقی زبان بدن در رمان / یام معه از کولیت خوری و بامداد خمار از فتانه حاج سیدجواد» به تحقیق عبدالباسط عرب یوسف آبادی و همکاران (۱۳۹۸)، «تحلیل ارتباطات غیر کلامی در منظومه لیلی و مجنون نظامی» به قلم اولادی قادیکلایی و پارسایی (۱۳۹۹) و... اشاره کرد.

همان‌طور که ملاحظه شد پژوهش در زمینه ارتباطات غیر کلامی در سال‌های اخیر مورد اقبال پژوهشگران قرار گرفته و این اقبال در حوزه ادبیات تطبیقی کمتر بوده است؛ چنان‌که در میان موارد یادشده در بالا فقط یک مورد (پژوهش عبدالباسط عرب یوسف آبادی و همکاران) در این زمینه به چشم می‌خورد. در مورد رمان‌های منزل بورقیه از ایناس العباسی و شب ناسور اثر ابراهیم حسن‌بیگی نیز تاکنون پژوهشی، چه از دیدگاه بررسی ارتباطات غیر کلامی و چه از دیدگاه دیگر، صورت نگرفته است و این پژوهش در مورد این دو رمان تازگی دارد.

۵-۱. روش پژوهش و چارچوب نظری

نشانه‌شناسی، رویکردی میان‌رشته‌ای است که به بررسی و تحلیل نشانه‌ها و درک معانی نهفته در آن‌ها می‌پردازد. نشانه، اتحاد دال با مدلول است؛ «دال، تصویر صوتی و مدلول، مفهومی است که دال بر آن

دلالت می‌کند.» (سجودی، ۱۳۸۲: ۲۲) در نظام نشانه‌شناسی نه تنها زبان، بلکه تمامی انگاره‌ها و تصاویر، آواها، اشیا، حرکت‌ها، اداها و خلاصه تمامی آن پدیده‌هایی که درون نظام نشانه‌ها حضور دارند، صرفاً در حد ارتباط مطرح‌اند. «ایجاد ارتباط همواره یکی از دغدغه‌های بشر از ابتدا تا زمان حال بوده است؛ این مفهوم به کلیه فعالیت‌های گفتاری، نوشتاری و حرکتی‌ای اطلاق می‌شود که به وسیله فرد برای انتقال معنی به فردی دیگر یا به توده وسیعی از افراد به کار می‌رود» (فرهنگی، ۱۳۷۵: ۱۳).

ارتباط را به دو نوع کلامی و غیر کلامی تقسیم کرده‌اند؛ ارتباط غیر کلامی که به آن «زبان بدن» هم گفته می‌شود: «حوزه گسترده‌ای را دربر می‌گیرد: از بیان چهره‌ای و اشاره اندامی تا مد و نمادهای وضعیتی، از رقص و نمایش تا موسیقی و لال بازی، از جریان تأثیرانگیز تا جریان ترافیک، از حیطه قلمرو جویی حیوانات تا عهدنامه‌های سیاسی، از ادراک فراحسی تا رایانه‌های قیاسی و از بلاغت مرتبط با خشونت تا بلاغت مربوط به پایکوبی‌های نخستین» (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۸: ۱۹). ارتباط غیر کلامی نیز عبارت است از: حرکت‌شناسی یا شناخت رفتار جسمی، فضاشناسی یا استفاده از فضا، صور ظاهر، لامسه‌شناسی یا استفاده از لامسه در برقراری ارتباط، رفتارهای آوایی، زمان‌شناسی و ارزش‌گذاری بر زمان، مصنوعات و استفاده از آن‌ها در روند ارتباط و... (لیتل جان، ۱۳۸۴: ۱۸۷-۱۸۵)

«نظریه اشاره» که نخستین بار در قرن نوزدهم به وسیله ویلهلم ونت معرفی شد، بیان می‌دارد که ابتدایی‌ترین شیوه ارتباط انسان‌ها، اشارات و نشانه‌هایی است که با دست ایجاد می‌شود. چنین زبانی به طور ناخودآگاه و در مواردی همراه با کلام به کار می‌رود؛ چنان‌که حتی امروزه هنگامی که کسی را به سوی خود فرامی‌خوانیم، افزون بر اینکه به طور لفظی کلمه‌ای را بر زبان می‌آوریم، با حرکت دست نیز آن کلمه را همراهی می‌کنیم و در شرایطی که زبان مخاطب خود را ندانیم، تنها به اشاره متوسل می‌شویم. (یول، ۱۹۸۵: ۳؛ به نقل از پهلوان‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۵)

می‌توان گفت «ارتباط غیر کلامی یکی از شاخه‌های نشانه‌شناسی است» (پهلوان‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۴) که انواع رفتارهای حرکتی افراد از جمله حالت چهره، حرکت‌های بدن، ژست‌ها و حرکت‌های تنظیم مکالمه و... را دربر می‌گیرد. بررسی متون مختلف از منظر ارتباطات غیر کلامی که زنجیرهایی از نشانه‌های گسترده است، می‌تواند به خوانشی تازه از متن منجر شود و از لایه‌های معنایی متعدد آن پرده‌برداری نماید.

در یک تقسیم‌بندی، پیام (ارتباط) غیر کلامی دارای شش کارکرد است:

تکمیل کردن: برخی پیام‌های غیر کلامی با پیام‌های کلامی همراه و هماهنگ هستند. یک پیام غیر

کلامی علاوه بر کامل کردن پیام کلامی، آن را تقویت و روشن و شفاف می‌کند و معنایی «صحیح» از پیام را در اختیار مخاطب می‌گذارد؛ به عنوان مثال، وقتی یکی از دوستان خود را می‌بینید و می‌گویید: «از دیدنت خوشحالم» و هم‌زمان او را در آغوش می‌کشید، پیام فرستاده‌شده، قوی‌تر و اثرگذارتر خواهد بود.

تکذیب کردن: بعضی پیام‌های غیر کلامی، پیام کلامی را نقض و تکذیب و حتی خنثی می‌کنند یا مغایر با آن هستند. وقتی پیام‌های کلامی و غیر کلامی مغایر باهم هستند، مردم بیشتر تمایل دارند پیام غیر کلامی را باور کنند؛ برای نمونه، طرف مقابل ممکن است با لحنی سرد و صدایی خصمانه بگوید: «مشکلی پیش نیامده است»، لحن در اینجا یکی از اجزای پیرایان است.

تکرار کردن: پیام غیر کلامی که تکرار کننده پیام کلامی است، گونه‌ای از پیام است که اگر کلام هم وجود نداشته باشد، می‌تواند به طور مستقل عمل کند؛ مثلاً وقتی که بخواهید در رستوران، به اندازه دو نفر غذا سفارش بدهید، هنگامی که می‌گویید دو غذا، دو انگشت خود را نیز نشان می‌دهید؛ درواقع پیام‌های غیر کلامی تکرار کننده پیام‌های کلامی هستند و برعکس.

کنترل کردن: تعامل‌های کلامی به سبب کنترل و جهتی که دارند، سازمان یافته‌اند. این کنترل و تدبیر وقتی با پیام‌های غیر کلامی همراه شود، بهتر به نتیجه می‌رسد. پیام‌های غیر کلامی کنترل کننده عبارت‌اند از: نگاه کردن یا برگرداندن نگاه از شخص دیگر، بالا بردن یک انگشت ضمن مکث کردن برای نشان دادن خاتمه صحبت‌های خود، آهنگ صدا را بالا یا پایین آوردن و...

جانشینی: وقتی پیام‌های غیر کلامی به جای پیام‌های کلامی فرستاده می‌شوند، پدیده جانشینی رخ می‌دهد. نگاه خصمانه به کسی مانند گفتن جمله‌ای منفی است و یک مفهوم را می‌رساند.

جانشینی: وقتی پیام‌های غیر کلامی به جای پیام‌های کلامی فرستاده می‌شوند، پدیده جانشینی رخ می‌دهد. نگاه خصمانه به کسی مانند گفتن جمله‌ای منفی است و یک مفهوم را می‌رساند.

تأکیدی: پیام‌های غیر کلامی به منظور تأکید، تقویت، تکیه یا برجسته کردن پیام کلامی به کار برده می‌شوند. مکث کردن پیش از صحبت کردن، حاکی از آن است که آنچه گفته خواهد شد، بسیار بااهمیت است. این شش کارکرد همیشه به طور جداگانه اتفاق نمی‌افتد؛ هم‌زمان روی دادن آن‌ها نیز کاملاً امکان‌پذیر است. (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۸: ۹۱-۹۵)

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۲-۱. خلاصه رمان منزل بورقیه

این رمان از زمانی آغاز می‌شود که «جیهان» طی تماس تلفنی عمه خود از مرگ پدرش، حبیب الیاس، در

«شیکاگوی کوچک» آگاه شده تا سفر خود را با بازخوانی خاطرات گذشته و پیوند دادن موضوعات حال و گذشته آغاز کند. حبیب که پسر بزرگ خانواده است پس از طلاق همسر اول خویش، همراه برادرش، نورالدین، عازم آمریکا می‌شود تا گمشده خویش را در این کشور بیابد. نورالدین در این کشور از دنیا می‌رود و حبیب حاضر به گفتن راز و علت مرگ او نیست و با مرگ خودش این راز سربه‌مهر می‌ماند. جهان و نامادری‌اش، صوفیا، به‌تناوب در روند روایت رمان قرار می‌گیرند و به روایت بخشی از زندگی حبیب می‌پردازند. هر دو به زمان کودکی حبیب بازمی‌گردند و هر یک از آن‌ها زندگی او را از زاویه‌ای متفاوت بازگو می‌کنند. نویسنده با استفاده از فنّ «فلش‌بک»، برای بازیابی گذشته شخصیت‌ها، به روایت داستان بین دو زمان موازی پرداخته است؛ زمان حال یعنی پس از مرگ پدر و زمان گذشته و مهاجرت حبیب به شیکاگو. مسئله مهاجرت یکی از اصلی‌ترین موضوعاتی است که نویسنده در رمان خود به آن پرداخته است؛ وی کشورهای غربی را به‌عنوان زمینه‌ای مناسب برای رؤیا و موفقیت قلمداد کرده و این تفکر در رفتار و گفتار صوفیا و شوهر آمریکایی وی، روی، آشکار است.

۲-۲. خلاصه رمان شب ناسور

این رمان با ماجرای رفتن «اصغر ضحاک» به کمیته مشترک ضدخراب‌کاری برای اطمینان از نابودی کامل مدارک بازجویان ساواک آغاز می‌شود. وی پس از خروج با انبوه جمعیتی روبه‌رو می‌شود که می‌پندارند وی یکی از زندانیان است و از او استقبال گرمی می‌کنند. او که در زندان کمیته مشترک ضدخراب‌کاری ساواک، بازجوی نیروهای انقلابی است، فهرستی از ۲۱ زندانی را آماده کرده که در بازجویی‌ها اعترافی نداشته‌اند. وی تصمیم می‌گیرد خود را به‌عنوان یک خبرنگار بانام مستعار «آقای ابراهیمی‌زاده» جا بزند و هدف خود را جمع‌آوری اطلاعات زندانیان سابق معرفی کند. وی پس از رویارویی با دو تن از زندانیان به نام‌های «سید محسن ملکی» و «رضا توسلی» و تخلیه اطلاعاتی آن‌ها تحت عنوان گزارش، آن‌ها را به قتل می‌رساند؛ سپس سراغ یکی از زندانیان زن به نام «فریبا علیپور» می‌رود که علاقه‌ای قلبی نیز نسبت به او دارد. فریبا نیز که قبلاً معلم و از چپ‌گرایان بوده، در زندان با اسلام‌گرایان آشنا شده و تحت تأثیر آن‌ها، عقاید اسلامی بر رفتار و پوشش او تأثیر گذاشته است. او که از هوش سرشاری برخوردار است، از روی صدا اصغر ضحاک را می‌شناسد و در یک قرار صوری او را تحویل نیروهای انقلابی می‌دهد؛ بدین گونه رمان پایان می‌یابد. در این رمان نیز نویسنده به بررسی حوادث قبل و بعد از انقلاب اسلامی در ایران پرداخته و با استفاده از فنّ فلش‌بک، مدام به گذشته گریز می‌زند و حوادث روی‌داده را در قالب دو زمان موازی

یعنی پس از انقلاب و گذشته یعنی پیش از انقلاب روایت می‌کند.

۲-۳. حالت‌های چهره

حالات چهره پس از سخن گفتن، مهم‌ترین منبع اطلاعاتی افراد هستند. «شاهد این مدعا، زمان و حجم کارهایی است که نویسندگان داستان‌ها و نمایش‌نامه‌نویسان به توصیف جزئیات چهره شخصیت‌های مورد نظر خود اختصاص داده‌اند» (هارجی و همکاران، ۱۳۷۷: ۶۳)؛ همچنین «ما می‌توانیم به‌وسیله حالات چهره، ناراحتی، عدم اطمینان، اعتماد، دلواپسی و... را به گیرندگان پیام منتقل نماییم» (احدیان، ۱۳۷۴: ۵۱).

۱-۲-۳. دال بر عصبانیت

العباسی از زبان عمه شخصیت اصلی، به روایت صحنه‌ای پرداخته که در آن، مادر بزرگ بر اثر کم‌توجهی همسرش نسبت به خانواده و هم‌نشینی مداوم و سرگرم‌شدن با دوستانش، عصبانی بوده است؛ نویسنده برای القای این عصبانیت به مخاطبان، از گره خوردن ابروها، به هم فشردن لب‌ها بر یکدیگر در کنار فریاد زدن بر سر کودکان معصوم بهره برده و این پیام را در این بخش، در قالب کارکرد جانشینی مورد استفاده قرار داده است: «أذكر يومها كيف نهرتنا أمي عاقدة حاجيها وقد زمت شفتيها الرقيتين» (العباسي، ۲۰۱۸: ۳۲) (ترجمه: من آن روز را به یاد می‌آورم که چگونه مادرم بر سر ما فریاد زد؛ در حالی که ابروهایش به هم گره خورده بود و لب‌های نازک خود را بر هم می‌فشرد).

حسن‌بینگی از زبان راوی به بیان صحنه‌های مختلف شکنجه‌شدن افراد به‌وسیله مأموران ساواک اشاره کرده است. «حسینی» یکی از شخصیت‌های بسیار خشن داستان است که انواع شکنجه‌ها را در مورد افراد مذهبی و مخالفان رژیم ستم‌شاهی روا می‌داشته و در یکی از صحنه‌ها به‌علت ناتوانی و عجز از گرفتن اعتراف از یکی از زندانیان، بسیار عصبانی شده است که نویسنده این امر را با سرخ‌شدن چهره و عرق کردن بسیار وی به مخاطب خویش القا ساخته و این پیام را در قالب کارکرد جانشینی به کار گرفته است: «صورتش سرخ شده بود و خیس عرق.» (حسن‌بینگی، ۱۳۹۷: ۲۶)

۲-۳-۲. دال بر اضطراب و ترس

در رمان منزل بورقیه، حبیب الیاس در وصیت‌نامه خود که وکیل مشغول قرائت آن برای بازماندگان وی است، منزل خود را در تونس به دخترش، جیهان و رستوران و منزلش در شیکاگو را به همسر دوم خود، صوفیا و دختر وی بخشیده است. این امر سبب ایجاد اضطراب در وجود صوفیا می‌شود که این پیام در قالب رنگ‌پریدگی و با کارکرد جانشینی در کلام گنجانده شده؛ زیرا صوفیا انتظار داشته است که حبیب توجه

خاصی به فرزند اول خویش نداشته باشد: «قبل أن يتلفظ المحامي بآخر حرف من الجملة التي أوصى لي فيها أبي بالبيت، انتفضت صوفيا واقفة وقد شحب وجهها بصورة مخيفة وكأن آخر قطرة دم سُحبت من جسدها في تلك اللحظة» (العباسي، ۲۰۱۸: ۱۰) (ترجمه: قبل از اینکه وکیل حرف آخر جمله‌ای را به زبان بیاورد که در آن پدرم وصیت کرده بود خانه را به من بدهد، صوفیا برخاست و در حالی که ایستاده بود، صورتش به طرز ترسناکی رنگ‌پریده بود، گویی در آن لحظه آخرین قطره خون از بدنش گرفته شده بود).

در یکی از صحنه‌های رمان شب ناسور، دو برادر به نام متین و مجید به جرم پخش اعلامیه دستگیر شده‌اند؛ اصغر ضحاک که در این بخش راوی رمان است، از ترس و اضطرابی که بر وجود برادر کوچک‌تر، متین، حاکم بوده، سخن گفته و آن را با دال رنگ‌پریدگی صورت و در قالب کارکرد جانشینی تبیین ساخته است: «رنگش مثل گچ سفید شده بود» (حسن‌یگی، ۱۳۹۷: ۶۵) این نشانه با مدلول یکسان و کارکرد مشابه در صفحه ۱۷۲ و با کارکرد تکمیلی در صفحه ۱۸۸ نیز به کار گرفته شده است.

۳-۲. دال بر ناراحتی

زمانی که دلال، دختر مشترک حبیب و صوفیا، به مادرش خبر می‌دهد که حبیب سگته کرده و آن‌ها در راه بیمارستان هستند، صوفیا به سرعت خود را به بیمارستان می‌رساند و پس از روبه‌رو شدن با جسد بی‌جان همسرش، شروع به سیلی زدن بر صورت خویش می‌کند که نشانه‌ای از ناراحتی وی از مرگ همسر است و با کارکرد جانشینی در کلام ذکر شده است: «وحين وقفتُ مجدداً في ممرِ المستشفى رفعت يدي و لطمت وجهي فارتطمت يدي بطرف القبة التي نسيها على رأسي» (العباسي، ۲۰۱۸: ۶۴) (ترجمه: وقتی دوباره در راهرو بیمارستان ایستادم، دست‌هایم را بلند کردم و به صورتم سیلی زدم، بنابراین دستم به لبه کلاه‌ی برخورد کرد که روی سرم فراموش کرده بودم).

رضا توسلی یکی از زندانیان پیش از انقلاب است که اصغر ضحاک بارها به شکنجه او پرداخته؛ اما نتوانسته است از وی اطلاعاتی کسب کند. اکنون ضحاک خود را در قالب یک خبرنگار به نام ابراهیمی‌زاده جازده و به گفتگو با او پرداخته است. توسلی به شرح خاطرات خود در آن زمان می‌پردازد که در حجره یکی از آزادی‌خواهان به نام آقای عمران‌زاده به همراه شخصی به نام محمد، مشغول پخش اعلامیه بوده‌اند. بعد از مرگ آقای عمران‌زاده، محمد بسیار اندوهگین شده است که این امر با دال رنگ‌پریدگی و ریختن اشک در قالب کارکرد جانشینی به مخاطب القا شده است: «رنگش پریده بود و اشک‌هایش روی گونه‌های فرورفته‌اش می‌چکید» (حسن‌یگی، ۱۳۹۷: ۱۲۵).

جدول ۱. حالت‌های چهره در هر دو رمان

دال	مدلول	کارکرد	صفحه
زیر و رو کردن لب‌ها	بی تفاوتی	جانشینی	العباسی: ۲۲-۲۳
گرفتن چانه	طلب شناخت و آگاهی	جانشینی	۳۰
لرزش لب‌ها	اضطراب و ترس	تکمیلی	۱۳۷
پاک کردن عرق پیشانی	خستگی	جانشینی	حسن‌یگی: ۲۴
کبود شدن صورت	تحمل درد	جانشینی	۲۱۲ (دو بار)
فشردن دندان‌ها روی هم	درد	جانشینی	۱۷۵-۲۵
داشتن ریش	اسلامی بودن	جانشینی	۱۰۷ و ۹۵، ۳۴، ۳۱
بازماندن دهان	تعجب	جانشینی	۱۰۴
گاز گرفتن لب‌ها	درد	جانشینی	۱۷۶
عرق کردن	درد	جانشینی	۱۷۶
کج کردن لب و لوجه	تمسخر و تحقیر	تکمیلی	۲۰۲
گل انداختن لپ‌ها	سرحال و قهراق بودن	جانشینی	۲۰۸

۴-۲. حالت‌های چشم

چشم‌ها از بزرگ‌ترین کلیدهای شناخت شخصیت محسوب می‌شوند که مخاطب را به شکل واقعی به آنچه در عقل و ذهن گوینده می‌چرخد، راهنمایی می‌کنند، تمام احساسات را بازتاب می‌دهند و رازها را آشکار می‌کنند (خلاف، ۲۰۱۹: ۲۲۲). ارتباط و تماس چشمی از حالاتی است که می‌تواند مفاهیم متعددی را درون خود پنهان کند و کارکردهایی همچون کسب اطلاع، بیان عواطف، شکل‌گیری ارتباط و وادار کنندگی و تنظیم کنندگی تعامل داشته باشد (سامووار و همکاران، ۱۳۷۹: ۲۶۶).

پس از اینکه عمه مریم، خبر فوت پدر جیهان را به وی می‌دهد، دختر که از شنیدن این خبر بسیار ناراحت است، چشمان خود را می‌بندد و به گذشته شیرین خویش در کنار پدری فکر می‌کند که در کودکی او را رها ساخته است. در این مورد، بستن چشم نشانه‌ای از تفکر است که با کارکرد جانشینی در کلام به کار گرفته شده است: «أغمضتُ عيني مستمعة لصوت انهمار الأمطار في الخارج.» (العباسی، ۲۰۱۸: ۱۲) (ترجمه: چشم‌هایم را بستم؛ در حالی که به باران بیرون گوش می‌دادم).

بعد از انقلاب اسلامی، اعضای ساواک به خارج از کشور گریخته یا با تغییر چهره، خود را مخفی ساخته‌اند؛ گویی اصغر ضحاک در این کار استاد بوده است؛ چنان‌که وقتی با صمیمی‌ترین همکار خویش، وثوق، روبه‌رو می‌شود، وثوق نمی‌تواند وی را بشناسد و تنها بعد از ریز کردن چشم‌هایش و دقت فراوان، وی را می‌شناسد. در این بخش، ریز کردن چشم‌ها، نشانه دقت در شناخت فرد، در کنار ترس و اضطرابی است

که بر وجود وثوق مستولی گشته و با کارکرد جانشینی در رمان جا خوش کرده است: «چشم‌هایش را ریز کرد و به دقت زل زد و با تردید گفت: جوجه کباب هوس کرده‌اید؟» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۷: ۱۴) این نشانه با مضمون و کارکرد مشابه در صفحات ۲۸، ۱۶۹ و ۲۰۹ نیز به کار گرفته شده است.

جدول ۲. حالت‌های چشم در هر دو رمان

دال	مدلول	کارکرد	صفحه
نگریستن به ساعت	انتظار	جانشینی	العباسی: ۱۹
هاله سیاه دور چشم	شب‌نخوابی	جانشینی	۹۴
چشمان متورم	گریه فراوان	جانشینی	۱۶۴
چشمان قهوه‌ای	مهربان‌بودن فرد (باوان‌پوری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۴)	جانشینی	۲۱
درخشش چشم	رضایت	جانشینی	۹۱
بستن چشم	تفکر و حسرت نسبت به گذشته	جانشینی	حسن‌بیگی: ۱۲
	شرمساری	جانشینی	۱۵۲
اخم کردن	عصبانیت	جانشینی	۵۲، ۶۲ و ۸۱
		تکمیلی	۱۰۱
گردشیدن چشم	ترس	جانشینی	۵۷ و ۱۶۳
از حدقه بیرون‌زدن	تعجب	جانشینی	۱۶۶
		تکمیلی	۱۴
درشت‌شدن چشم	تعجب	جانشینی	۱۱۳

۲-۵. حالت‌های نگاه کردن

نگاه به‌عنوان عامل اصلی ارتباطات در بین موجودات زنده چه در حوزه حیوانات و چه در حوزه انسان‌ها محسوب می‌گردد و اهمیت آن تا بدان‌جاست که محور رفتارهای اجتماعی قرار می‌گیرد. نگاه هرچند جزو ارتباطات غیر کلامی به‌شمار می‌آید، ولی فقدان نگاه می‌تواند تا حدّ زیادی ارتباط کلامی را نیز مختل سازد. اندیشمندان علم ارتباطات معتقدند که نگاه کردن، وسیله‌ای برای دریافت برون‌فکنی‌های دیگران اعم از محبت، کینه، بیزاری، نفرت، بی‌تفاوتی، نگرانی، اضطراب و... است؛ حتی می‌تواند علائم تهدیدکننده‌ای را برای ما ارسال نماید؛ بنابراین نگاه هم علامت است و هم کانال ارتباطی؛ علامت برای گیرنده و کانال برای فرستنده. (علی‌پور ملاباشی، ۱۳۹۸) نگاه از رایج‌ترین و نیرومندترین علائم ارتباط غیر کلامی است که انواع مختلفی دارد: نگاه خیره، نگاه متقابل، نگاه یک‌سویه و...؛ همچنین کارکردهایی در جریان تعامل برای آن‌ها وجود دارد.

حبیب الیاس برای خواندن وصیت‌نامه خویش، وکیلی بسیار مشهور را انتخاب کرده است؛ زمانی که

دخترش برای شنیدن متن وصیت‌نامه به همراه نامادری و خواهر ناتنی‌اش به دفتر این وکیل می‌روند، نوع نگاه جیهان نشانه طلب شناخت و کسب اطلاعات بیشتر در مورد این وکیل مشهور است که وی آرزوی دیدن او را از نزدیک داشته است. این پیام با کارکرد جانشینی در کلام گنجانده شده است: «حوْلْتُ نحو المحامي الخمسيني» (العباسی، ۲۰۱۸: ۹) (ترجمه: به‌سوی وکیل پنجاه‌ساله چرخیدم).

زمانی که اصغر ضحاک و وثوق به شکنجه دو برادر انقلابی، متین و مجید، پرداختند، از آن‌ها خواستند که اطلاعاتی در مورد قاتلان کامران - یکی از افراد رده‌بالای ساواک - و نیز قاتلان سفیر آمریکایی به آن‌ها ارائه کنند. در این بخش، نوع نگاه کردن متین هنگام نوشتن روی برگه، بیانگر ترس با احتیاطی همراه است که در چهره او نهفته است. راوی برای انتقال این پیام از کارکرد جانشینی بهره گرفته است: «گاهی زیرچشمی به برادرش نگاه می‌کرد، گاهی هم به ما نیم‌نگاهی می‌انداخت.» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۷: ۶۶)

جدول ۳. حالت‌های نگاه کردن در هر دو رمان^۱

مدلول	کارکرد	صفحه
جدی بودن	جانشینی	العباسی: ۲۵
ناراحتی و شرمساری	جانشینی	۱۳۱
تعجب	جانشینی	حسن‌بیگی: ۲۳، ۳۷، ۹۶، ۱۰۴، ۱۰۹، ۱۲۹، ۱۳۸، ۱۶۳، ۱۹۰ و ۲۱۶
عصبانیت	تکمیلی	۹۷ و ۱۲۴
تفکر	جانشینی	۴۴ و ۱۲۲
طلب آگاهی	جانشینی	۱۴۵ و ۱۲۸
ترس	تکمیلی	۱۵
شیطنیت	جانشینی	۱۳
یادآوری خاطرات گذشته	تکمیلی	۱۲۹
شرم	جانشینی	۱۱۳
پرسش	جانشینی	۲۰۸
شوخی	جانشینی	۱۲۵
تنفر	جانشینی	۱۲۶
	جانشینی	۱۴۸

۶-۲. حالت‌های لامسه

میزان لمس کردن و هدف از لمس کردن به میزان زیادی در نتیجه هنجارهای فرهنگی به‌وجود می‌آید و گونه‌هایی دارد، مثل دست‌دادن، نوازش کردن، درآغوش کشیدن، گرفتن بازو و... (ریچموند و

۱. در تمام این موارد، دال، نوع نگاه کردن است.

مک کروسکی، ۱۳۸۸: ۲۹۹). بیشترین کارکرد پیام‌های مربوط به حس لامسه، نشانگر محبت و علاقه بین دو طرف است. «تماس صمیمانه زیاد از حد، نشان‌دهنده محبت، عشق و دل‌بستگی عاطفی و روانی است» (همان: ۳۰۴)؛ همچنین «تماس بدنی با توجه به عوامل مختلف زمینه‌ای، مانند لمس‌کننده (دوست یا غریبه)، ماهیت تماس جسمی (کوتاه، طولانی، آهسته یا سخت) و محیط تماس (محل کار، خیابان، خانه و...) می‌تواند نشانه عاطفه، تسلط، توجه، جاذبه جنسی، مراقبت و پرخاشگری باشد. باوجود چنین پیچیدگی‌هایی، شواهد موجود نشان می‌دهند که هر وقت لمس پذیرفتنی تر قلمداد شود، اغلب به واکنش مثبت می‌انجامد» (سالاری‌فر و همکاران، ۱۳۸۲: ۴۶). در بسیاری از جوامع، تماس بدنی نشانه علاقه و پذیرش است و خودداری از لمس کردن، مجموعه‌ای از احساسات منفی مثل رنجش و بدگمانی را انتقال می‌دهد (ریچموند و مک کروسکی، ۱۳۸۸: ۲۹۹). لازم به ذکر است در هردو رمان مورد بررسی، تمامی موارد دربرگیرنده پیام‌های لامسه‌ای، بر محبت و علاقه دلالت دارند.

جهان به هنگام ورق‌زدن آلبوم خانوادگی‌شان با دیدن عکس‌های عمه مریم به هنگام اولین زایمانش در حالی که همسرش هنگام خروج از بیمارستان با لبانی خندان، شانه‌های عمه را گرفته بود، به علاقه و محبتی که بین آن‌ها جریان داشته است، پی برد. این نشانه دارای کارکرد جانشینی است: «... و بجانب صورتهما صورة لعنتي مریم في المستشفى، یمسك زوجها المبتسم بكتفیها بینما تحمل طفلهما الأول بین ذراعیها» (العباسی، ۲۰۱۸: ۵۰) (ترجمه: در کنار عکس آن دو، عکسی از عمه‌ام مریم در بیمارستان دیده می‌شد؛ در حالی که شوهر خندان او شانه‌هایش را گرفته بود و اولین فرزندشان در آغوش عمه بود).

حسن‌یگی در صحنه‌های آغازین رمان خویش، از هجوم انقلابی‌ها و ویران‌شدن کمیته مشترک ضد خراب‌کاری سخن گفته است؛ اصغر ضحاک که برای اطمینان از نابودشدن کامل مدارک هویتی خود و سایر ساواکی‌ها به محل رفته است، فرنج زندانیان ساواک را بر تن می‌کند و با توجه به اینکه در مدت آوارگی نتوانسته است ظاهر خویش را مرتب کند، در پندار مردم عادی یکی از زندانیانی است که از مهلکه مرگ به وسیله ساواک گریخته است. در این صحنه، مردی زیر بازوی او را می‌گیرد و از او اجازه می‌خواهد که تا درب منزلش وی را همراهی کند که نشانه علاقه و محبت مردم به او به عنوان یک زندانی سیاسی است. این پیام با کارکرد تکمیلی در کلام گنجانده شده است: «مردی هم‌سن و سال خودم ... زیر بازویم را گرفت و گفت: خودم نوکرم برادر! هرجا بخواهی می‌برمت.» (حسن‌یگی، ۱۳۹۷: ۸)

جدول ۴: حالت‌های لامسه در هردو رمان

العباسی	حسن‌یگی
جانشینی: ۴۴، ۱۲۶، ۱۷۹ و ۱۸۲	جانشینی: ۹، ۱۰، ۷۵، ۱۱۹
تکمیلی: ۳۰، ۱۳۸	تکمیلی: ۹ و ۱۷

۲-۲. حالت‌های دست

از نظر دانشمندانی چون ونیز، هارپر و ماتارازو، در ارتباطات غیر کلامی، دست‌های بشر دومین منبع و وسیله مهم ارتباط با دیگران، پس از حرکات چهره است (فرهنگی، ۱۳۷۵: ۳۰۱). افراد در برخوردهای اجتماعی خود از حرکات بدنی بسیار زیادی استفاده می‌کنند، هرچند حرکات دست از همه گویاتر است. ژست‌ها معمولاً به معنی حرکت ارادی بدن به وسیله دست‌ها، سر یا سایر بخش‌های بدن به منظور انتقال اطلاعات است (آرژیل، ۱۳۷۸: ۳۴۷).

پس از اینکه وکیل معروف، وصیت‌نامه حبيب الیاس را قرائت کرد که وی در آن، منزل خود در «بورقیه» تونس را به دخترش جیهان بخشیده بود، همسر دوم، صوفیا، به شدت از این قضیه ناراحت شد. لرزش دست، ابزاری است که العباسی در این مثال با کارکرد تکمیلی به کار گرفته تا ناراحتی و اضطراب صوفیا را به مخاطب انتقال دهد: «وید مرتعشة أشعلت سيجارة دختها بصمت قبل أن تقول للمحامي: هذه الوصية باطلة وسأفعل كل ما بوسعني لإلغائها» (العباسي، ۲۰۱۸: ۱۰) (ترجمه: با دستی لرزان، سیگاری روشن کرد و در سکوت آن را دود کرد قبل از اینکه به وکیل بگوید: این وصیت‌نامه باطل است و من تمام تلاش خود را برای لغو آن انجام خواهم داد). این نشانه با مضمون و کارکرد مشابه در صفحه ۴۱ به کار گرفته شده است.

وقتی که اصغر ضحاک، وثوق را در یک غذاخوری می‌بیند، از وضعیت موجود و فرار سران ساواک به خارج ناراضی است، اما وثوق معتقد است که این وضعیت تنها چند ماه دوام خواهد آورد و آن‌ها باید زمینه‌ساز برگشت شاه به کشور شوند. در این گفتگو وثوق انگشتش را به نشانه تهدید به سمت اصغر می‌گیرد. این پیام با کارکرد تکمیلی به کار رفته است: «بعد انگشت اشاره‌اش را به سمت گرفت و ادامه داد: گوش کن بین چه می‌گویم ...» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۷: ۱۶)

جدول ۵. حالت‌های دست در هر دو رمان

دال	مدلول	کارکرد	صفحات
ضربه زدن به دیوار با مشت	عصبانیت	جانشینی	العباسی: ۱۳
لرزش دست	هیجان	جانشینی	۴۹
		تکمیلی	۳۴
لمس کردن با دست	طلب شناخت	جانشینی	۴۱
اشاره با دست	راهنمایی کردن	جانشینی	۴۳
پاک کردن صورت	خستگی	جانشینی	۹۵
مالیدن دست‌های عرق کرده به هم	اضطراب	جانشینی	۱۲۶
لرزش دست	ترس	جانشینی	حسن‌بیگی: ۱۶۶
اشاره با دست	راهنمایی کردن	جانشینی	۱۲۰

۸-۲. حالات بدن

در کنار حالات مختلف بدن، گاهی برخی موارد نیز یافت می شود که زیرمجموعه مورد خاصی قرار نگرفته است؛ چنان که عصبانیت صوفیا از وصیت نامه شوهرش و بخشیدن منزل تونس به دخترش، امری است که به اشکال مختلف در رمان العباسی نمود یافته است. در صحنه انتخاب شده، صوفیا بعد از شنیدن این خبر، سیگارش را بر زمین انداخته و با پا آن را له می کند این امر دال بر عصبانیت اوست که با کارکرد جانشینی به کار رفته است: «ومتجاهلة المنفضة على الطاولة، أسقطت صوفيا سيجارتها بخفة على الأرض وسحقتها بقدمها ثم توجهت نحو الباب دون كلمة» (العباسي، ۲۰۱۸: ۱۰) (ترجمه: صوفیا بی توجه به زیرسیگاری که روی میز بود، سیگار خود را به آرامی روی زمین انداخت و با پا آن را له کرد و سپس بدون هیچ حرفی به سمت دررفت).

مأموران ساواک در بخش های مختلف رمان شب ناسور، جهت دستگیر کردن انقلابی ها به تعقیب آنها می پردازند؛ آقا کاظم یکی از مبارزان انقلابی است که ساواکی ها برای دستگیرشدنش به مغازه اش مراجعه می کنند. در این بخش، سید محسن ملکی که زمانی شاگرد مغازه او بوده است، به روایت صحنه حضور دو ساواکی می پردازد که یکی از آنها مدام به بیرون سرک می کشیده است. این پیام می تواند دارای مدلولی دوگانه باشد: ترس و اضطراب آنها یا تلاش در راستای کسب خبر و دارای کارکرد جانشینی است: «یکی شان که کوتاه تر بود و نگران تر و مرتب به بیرون سرک می کشید ایستاد دم در.» (حسن بیگی، ۱۳۹۷:

(۳۵)

جدول ۶. حالت های بدن در هر دو رمان

دال	مدلول	کارکرد	صفحه
لگزدن به وسایل	عصبانیت	جانشینی	العباسی: ۱۳
دویدن	ترس	جانشینی	۴۱
بالا بردن سر	طلب شناخت	جانشینی	۵۸ و ۹۳
بالارفتن ضربان قلب	استرس	جانشینی	۱۶۱
خم کردن سر به طرف کسی	ناراحتی	تکمیلی	حسن بیگی: ۱۶
نزدیک کردن سر به گوش	پنهانی بودن کلام	تکمیلی	۱۷ و ۱۲۳
چرخش سر به اطراف	طلب شناخت	جانشینی	۲۹
خاراندن پشت سر	تفکر	تکمیلی	۳۰
بالا بردن سر	کسب اطلاع	جانشینی	۱۳ و ۴۳
تکان دادن سر	تأیید کلام	جانشینی	۱۱۹، ۱۴۴ و ۲۰۶
		تکمیلی	۱۳۶
پایین انداختن سر	شرم	جانشینی	۱۱۶ و ۱۲۱
چسباندن زانو به سینه	ناراحتی	جانشینی	۹۴ و ۹۷
	درد	جانشینی	۲۱۲
بالارفتن ضربان قلب	استرس	جانشینی	۲۹

۹-۲. حالت‌های پیرازبان

پیرازبان پدیده‌های غیر زبانی همچون کیفیت صدا، نداء، صدای خنده، صدای هق‌هق، سرفه و سکوت را دربر می‌گیرد. این رفتار غیر زبانی نقش بسیار مهمی در زندگی بازی می‌کند (کورت، ۱۹۹۷: ۲۸-۲۶). اصوات نیز گاه به‌خودی‌خود، پیام غیر کلامی محسوب می‌شوند. «نمادها و نشانه‌های شنیداری از طریق اندام گوش و حس و نظام شنوایی دریافت می‌شوند. این صداها با تجربیات شخصی و پیشینه‌های ذهن در آمیخته می‌شوند و معنای ویژه‌ای را تولید می‌کنند» (کریمی، ۱۳۸۰: ۶۳).

تغییرات و نوسانات در گفتار یکی دیگر از راه‌های ارتباط غیر کلامی است که «علائم فرازبانی» نامیده می‌شود و معانی مختلفی را با خود منتقل می‌کند. زیر و بمی صدا، بلندی آهنگ، سرعت، موزون بودن و تردید و تأمل در کلام اطلاعات خاصی را منتقل می‌سازد (سالاری‌فر و همکاران، ۱۳۸۲: ۴۳). آواها در داستان از سوی شخصیت‌ها تولید می‌شوند که مؤلفه‌هایی مانند کیفیت صدا، دانگ، لحن و... دارند (یول، ۱۳۷۸: ۳). حرکات بدنی گوینده هنگام صحبت کردن، تأثیر خاصی بر مسئله‌ای می‌گذارد که در مورد آن بحث می‌شود؛ زیرا حرکات بدنی احساسات و حالاتی مانند شادی یا ناراحتی گوینده را مشخص و منتقل می‌کند (ویکر، ۱۳۸۸: ۲۰).

۱-۹-۲. خندیدن

خنده از رایج‌ترین رفتارهای ارتباطی چهره به شمار می‌رود که رمزگشایی از آن کمی دشوار به نظر می‌رسد؛ زیرا خنده می‌تواند ساختگی هم باشد (پیس و پیس، ۱۳۸۷: ۹۱). «خندیدن یا فشردن لب‌ها به همدیگر، پیام‌های مختلفی به‌طرف مقابل می‌دهد.» (حسام‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۸۱) «خندیدن از فرهنگی به فرهنگ دیگر معنی کاملاً متفاوتی دارد. اینکه چه کسی، برای چه، چقدر و چگونه بخندد و از این طریق چه چیزی نشان داده می‌شود، قسمتی از آموزش فرهنگی هر شخص دربارهٔ این عناصر ارتباطی به شمار می‌رود» (اسمیت، ۱۳۸۱، ج ۲: ۱۸).

مادر بزرگ جیهان سعی دارد با سفر به ایتالیا و خرید وسایل و فروش آن‌ها در تونس، در آمدی داشته باشد تا برای فرزندانش پس‌انداز کند. وی در یکی از این سفرها دخترانش را نیز همراه خود می‌برد تا بتواند از گمرک، اقلام بیشتری را عبور دهد. هنگامی که آن‌ها قصد اجارهٔ یک اتاق را دارند، فردی آن‌ها را به یک هتل می‌برد؛ غافل از اینکه آن محل، یک محل بدنام و مخصوص افراد بدکاره است. مادر بزرگ بعد از

شنیدن این امر، همراه دخترانش از آن محل فرار می‌کند. بازگویی این امر سبب خنده عمه می‌شود؛ به گونه‌ای که اشک از چشمانش جاری می‌گردد. این پیام دارای کارکرد تکمیلی است: «تضحك عمّتي وتسمح دموع الضحك التي تطفّر من عينيها: ما زالوا بانتظار عودتنا إلى يومنا هذا» (العباسي، ۲۰۱۸: ۲۷)؛ (ترجمه: عمه‌ام می‌خندید؛ در حالی که اشک خنده را که از چشمانش می‌ریخت، پاک می‌کرد: آن‌ها هنوز منتظرند تا ما برگردیم).

حضور حبیب‌الیاس در آمریکا سبب دوری او از دختر و خواهرانش شده است. زمان فوت وی، خواهرانش تصمیم می‌گیرند که تشیع جسد او به جای آنکه از مقابل خانه یکی از آن‌ها باشد، از جلوی خانه قدیمی خودش صورت گیرد. این امر سبب تمسخرآمیز بودن صحنه از نظر دختر او می‌شود. نویسنده از این نشانه به عنوان کارکرد جانشینی استفاده کرده است: «اتفقت عمّاتي على خروج جثمان أبي من بيته بدلاً من بيت واحدة منهن. ابتسمت باستخفاف لسخرية الموقف، فها أنا أعود بعد كل هذه السنوات لأرى أبي ميتاً ولأنتظره في بقايا البيت الذي دخلته في الماضي مرات قليلة» (همان: ۱۴) (ترجمه: عمه‌های من توافق کردند که جسد پدرم به جای خانه یکی از آن‌ها، از خانه خودش بیرون بیاید. من با بی‌اعتنایی به مسخره بودن موقعیت لبخند زدم؛ زیرا پس از این همه سال برگشته بودم تا ببینم پدرم مرده است و در بقایای خانه‌ای که در گذشته چند بار وارد آن شده بودم، منتظر او هستم).

پیش از انقلاب، مشروب‌خواری در کافه‌ها امری عادی بوده که با وقوع انقلاب اسلامی بساط آن برچیده شده است. زمانی که اصغر ضحاک به کافه مسیو می‌رود، از جانب مسیو لبخند تلخی نثار وی می‌شود. این نوع لبخندزدن دال بر ناراحتی از وضعیت موجود است که با کارکرد جانشینی در کلام ذکر شده است: «لبخند تلخی روی لب‌هایش نشست» (حسن‌یگی، ۱۳۹۷: ۱۳).

قمر در عقرب بودن یک وضعیت دال بر پیچیدگی و سختی آن است؛ زمانی که اصغر ضحاک در صحنه‌های آغازین رمان با وثوق روبه‌رو می‌شود، از اوضاع نابسامان پیش رو بسیار ناراحت است. نوع خنده وی در این حالت دال بر تمسخری آمیخته با ناراحتی است که نویسنده آن را در قالب کارکرد تکمیلی به مخاطب خویش القا ساخته است: «- اوضاع را که می‌بینی قمر در عقرب است. پوزخندی زدم و گفتم: عقرب در عقرب است» (همان: ۱۴). این نشانه با مضمون و کارکرد مشابه در صفحات ۹۷، ۹۸، ۱۵۴، ۱۵۹ و ۱۷۲ به کار گرفته شده است.

۲-۹-۲. آه کشیدن

آه کشیدن یکی از ابتدایی‌ترین رفتارهایی است که در هنگام ناراحتی و افسوس و حسرت نسبت به گذشته از جانب انسان صورت می‌گیرد. جهان از عمه‌اش خواسته تا در مورد پدربزرگش، حمادی، برای او بیشتر سخن بگوید. یادآوری خاطرات خوش گذشته در ذهن عمه سبب می‌شود که وی در لابه‌لای کلام

خویش، آه بکشد که دال بر حسرت بر گذشته و ناراحتی برای از دست رفتن آن لحظات غیر قابل تکرار است. نویسنده از این پیام با کارکرد تکمیلی بهره برده است: ««حدیثی عن جدي حمادي أكثر» كنت أطلب منها بصوت خافت، تشهد عمتي وتواصل: «جذك كان متحدثاً بارعاً وصاحب نكتة»» (العباسی، ۲۰۱۸: ۴۶) (ترجمه: از پدر بزرگم حمادی بیشتر حرف بزن، من با صدای آرام از او می‌خواستم، عمه‌ام در حالی که آه می‌کشید، ادامه داد: پدر بزرگت سخنگویی توانمند و بذله‌گو بود.) این نشانه با مضمون مشابه و کارکرد جانشینی در صفحه ۱۰ به کار رفته است.

وثوق - ساواکی سابق و دوست اصغر ضحاک - نیز از وقوع انقلاب و اوضاعی که برای آن‌ها پیش آمده به شدت ناراحت و اندوهگین است. در این بخش آه بلندی که او کشیده در کنار آه اصغر ضحاک، دال بر ناراحتی آن‌ها از اوضاع موجود و حسرت خوردن نسبت به گذشته باشکوه آن‌هاست. این پیام با کارکرد جانشینی مورد استفاده واقع شده است: «نفس بلندی کشید. مثل آهی که این روزها همیشه می‌کشیدم» (حسن بیگی، ۱۳۹۷: ۱۵). این نشانه با مضمون و کارکرد مشابه در صفحه ۱۱۳ و با کارکرد تکمیلی در صفحات ۱۳۶ و ۱۵۶ به کار رفته است.

۲-۹-۳. فریادزدن

ابتدایی‌ترین عکس‌العملی که از انسان در هنگام خشم، ترس یا درد سر می‌زند، فریادزدن است؛ این عمل در رمان‌های مورد بررسی نیز بروز داشته است: حمادی، پدر بزرگ جیهان که دوره مهندسی را در سوئیس گذرانده، در شهر خود یک کارگاه مجهز و مدرن راه انداخته است. در یکی از صحنه‌های رمان، دستگاه دست یکی از کارگران را قطع می‌کند که دیدن این امر سبب ایجاد ترس فراوان در وجود پدر بزرگ می‌شود. وی در قبال این ترس، شروع به فریادزدن می‌کند که دال بر ترس اوست و با کارکرد جانشینی در کلام راوی استفاده شده است: «وفي اليوم الذي قطعت فيه آلة يد عامل شارد أمامه لم يصمد. صرخ جذك مرعوباً من مشهد الدم المتدفق بغزارة، قبل أن يُغمي عليه بجوار العامل المصائب» (العباسی، ۲۰۱۸: ۴۷) (ترجمه: روزی که یک ماشین، دست یک کارگر فراری را در مقابلش قطع کرد و او مقاومتی نکرد. پدر بزرگت قبل از اینکه در کنار کارگر بدبخت از هوش برود، با دیدن خون فراوان جوشان، با وحشت فریاد زد.)

فریا علیپور نیز یکی از زندانی‌های سابق کمیته مشترک ضد خراب‌کاری رژیم ستم‌شاهی است که مشغول بازگویی خاطرات خویش برای ابراهیمی‌زاده - خبرنگاری که اصغر ضحاک خود را به نام او جا زده بود - است؛ وی در لابه‌لای خاطرات خود از زندانی شدن خود و اوضاع حاکم بر زندان سخن می‌گوید. جایی که وی به عنوان یک چپ‌گرا وارد زندان شد؛ اما در رویارویی با زنان با گرایش اسلامی،

شیفته اخلاق زنی گردید که او را «حاج خانم» صدا می‌زدند. در درگیری پیش آمده بین چپ‌گرایان و مسلمانان بر سر بیدارشدن برای سحری، لیدر چپ‌گرایان به حاج‌خانم توهین می‌کند که این امر سبب خشم فریبا می‌شود؛ چنان‌که بر سر لیدر فریاد می‌کشد که دال بر عصبانی‌بودن او از این موقعیت است. نویسنده از این پیام در قالب کارکرد تکمیلی بهره برده است: «سرش فریاد کشیدم: همین کار شما ارتجاعی است خانم.» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۷: ۲۰۲)

۲-۹-۴. گریه کردن

اشک از عواطف و انفعالات متعددی تعبیر می‌کند که تمامی انسان‌ها در همه مکان‌ها و زمان‌ها از آن بهره می‌گیرند. (لطفی، ۱۳۸۹: ۱۴) گریستن از کارکردهای چهره است؛ «اشک‌ها دارای الگوهای منحصربه‌فردی از ارتباط هستند. زبان‌شناسان فرهنگی، گریستن را نوعی سیستم فرازبان می‌دانند که آگاهانه یا به‌طور ناخودآگاه در حمایت از انفعال کلامی بروز می‌کند.» (کاتلر، ۱۳۸۰: ۴۸۰)

اگرچه حبیب در ابتدای زندگی و پس از طلاق همسرش، جیهان را رها ساخت و به آمریکا رفت؛ اما دورادور به او محبت داشت و هدایایی برای وی می‌فرستاد. هرگاه نیز که به تونس سفر می‌کرد به دیدن دخترش می‌آمد. شنیدن خبر مرگ وی برای دخترش بسیار سخت بود و سبب ناراحتی او شد که در قالب اشک ریختن و با کارکرد جانشینی رخ نمایانده است: «كانت السياط المائية تلطم المباني والأشجار والأرصعة والمآزة المسرعين باتجاه مشاغلهم بينما تنساب دموعي راسمة خطين أسودين تعرجا ببطء على وجنتي.» (العباسي، ۲۰۱۸: ۱۲) (ترجمه: شلاق‌های آب به ساختمان‌ها، درختان و پیاده‌روها سیلی می‌زد و عابران پیاده با سرعت به سمت کارهایشان حرکت می‌کردند؛ در حالی که اشک‌های من جاری شد و دو خط سیاه را به آرامی ترسیم می‌کرد که به سمت گونه‌های من کج می‌شد.) این نشانه با مضمون و کارکرد مشابه در صفحه ۱۸ تکرار شده است.

محسن و میرزا دو تن از مبارزان انقلابی بودند که به‌صورت مسلحانه در مقابل رژیم ایستادگی می‌کردند. در یکی از صحنه‌های رمان، هر دو پس از دستگیری، در یک اتاق از جانب شکنجه‌گران مورد شکنجه قرار گرفتند. محسن از اینکه شاهد شکنجه سخت دوستش است، بسیار اندوهگین و ناراحت می‌شود. این نشانه دارای کارکرد جانشینی است: «نگاه کردم به محسن که داشت گریه می‌کرد.» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۷: ۴۴) این نشانه با مضمون و کارکرد مشابه در صفحات ۶۸، ۷۵، ۷۵ و ۱۸۴ به کار رفته است.

۲-۹-۵. سکوت

سکوت در برابر کلام یا عکس‌العمل طرف مقابل یکی دیگر از زیرشاخه‌های پیرازبان است. «سکوت در ارتباطات، در فرهنگ‌های مختلف، می‌تواند نماینده مفاهیم مختلفی چون بی‌احساسی، گم‌گشتگی،

سرکوب‌شدگی، ابراز قهر، درفکر بودن، افسردگی، موافقت، عدم موافقت، شرمگین بودن، ادای احترام و... باشد.» (محسنیان‌راد، ۱۳۸۵: ۵۶)

در لحظات پیش از قرائت وصیت‌نامه حبیب به‌وسیله وکیل، جهان و صوفیا در حالی که روبه‌روی هم نشسته بودند، در سکوت به تبادل نظر می‌پرداختند که نشانه عدم اطلاع از موقعیت و نارضایتی از آن موقعیت است که با کارکرد جانشینی در رمان نمود یافته است: «كانت عَمِّي جالسة على كرسيّ بالقرب من النافذة بينما جلستُ أنا وصوفيا متواجهين أمام مكتب المحامي لتبادل النظرات بصمت» (العباسي، ۲۰۱۸: ۹) (ترجمه: عمه‌ام نزدیک پنجره نشسته بود؛ در حالی که من و صوفیا روبه‌روی هم در مقابل میز وکیل نشسته بودیم و با سکوت به هم نگاه می‌کردیم).

جهان پس از حضور در منزل عمه‌اش، به اتاق خواب او می‌رود و مشغول ورق‌زدن آلبوم خانوادگی‌شان می‌شود. حضور عمه در اتاق و سکوت او در مقابل وی، دال بر شگفتی از وضعیتی است که جهان در آن قرار دارد. العباسی از این پیام در قالب کارکرد جانشینی بهره برده است: «سكنت عَمِّي عندما انتبهت لصمتي وحَدَقْتُ بي، ما أشعُرني بأنني مكشوفة أمامها» (همان: ۳۷) (ترجمه: عمه‌ام سکوت کرد زمانی که متوجه سکوت من شد و به من خیره شد، من احساس نکردم که در مقابل او عریان هستم).

وثوق در دیدار با اصغر ضحاک، سعی دارد این باور را به او بقولاند که عمر انقلاب اسلامی اندک است و به‌زودی با یک کودتای نظامی از جانب آمریکا، رژیم شاهنشاهی برخواهد گشت. این گفته‌ها سبب ایجاد سکوت مابین آن دو می‌شود که نشانه تفکر و تأمل است و با کارکرد جانشینی به‌کار گرفته شده است: «لحظة أي سکوت بین ما سایه انداخت.» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۷: ۱۷) نویسنده این نشانه را با مضمون و کارکرد یکسان در صفحات ۱۸، ۱۲۱، ۱۵۵ و ۱۵۷ به‌کار برده است.

۲-۹-۶. سایر حالت‌های پیرازبان

پس از اینکه در سال ۱۹۸۷ م. زین العابدین بن علی با کودتا جانشین حبیب بورقیه شد، در صدا و سیمای این کشور وضعیت اضطراری اعلان شد. جهان که راوی این بخش از رمان است، اعلام کرد که لرزشی خفیف را در صدای مجری زن برنامه تشخیص داده است که دال بر ترسی است که بر او مستولی گشته است. این پیام، کارکرد جانشینی دارد: «مَيِّزْتُ رَعِشَةً خَفِيفَةً فِي صَوْتِ الْمَذِيعَةِ وَهِيَ تَعْلَمُ الْمَسْتَمِعِينَ بِخَبَرِ الْإِعْلَانِ عَنْ حَالَةِ الطَّوَارِيءِ فِي الْبِلَادِ، مُؤَكِّدَةً ضَرُورَةَ الْإِلْتِمَاعِ بِسَاعَاتِ حَظَرِ النِّجْوَالِ» (العباسي، ۲۰۱۸: ۱۴) (ترجمه: هنگامی که وی اخبار را در مورد اعلام وضعیت اضطراری در کشور به‌شنوندگان اعلام می‌کرد، با تأکید بر لزوم پابندی به ساعت‌های منع رفت‌وآمد، صدای لرزش اندکی را در صدای گوینده زن تشخیص دادم).

زمانی که دو مأمور ساواک جهت دستگیری آقا کاظم به مغازه او مراجعه کردند، شاگرد وی، سید محسن ملکی، صدای پچ پچ آن‌ها را شنید. پایین آوردن تَن صدا که در اصطلاح پچ پچ خوانده می‌شود، دال بر پنهانی بودن امری است که گوینده فقط برای یک یا چند نفر خاص بیان می‌کند و آن را از سایرین مخفی می‌سازد. حسن بیگی از این ابزار در قالب کارکرد جانشینی بهره جسته است: «صدای پچ پچشان را شنیدم» (حسن بیگی، ۱۳۹۷: ۳۵)

رضا توسلی که به همراه محمد، شاگرد مغازه یکی از بازاریان مبارز به نام آقای عمرانزاده هستند، متوجه می‌شود که محمد به‌دوراز چشم صاحب مغازه، فعالیت‌های مخفی نامعلومی را در مغازه انجام می‌دهد. زمانی که رضا گزارش این کار را به آقای عمرانزاده می‌دهد، او از این کار رضا عصبانی می‌شود. در این بخش، لرزش صدای وی دال بر ترس و اضطراب حاکم بر اوست. این پیام در قالب کارکرد تکمیلی به کار رفته است: «با صدایی که می‌لرزید گفتم: ببخشید حاج آقا. دیگر تکرار نمی‌کنم» (همان: ۱۱۷)

جدول ۲. حالت‌های پیرازبان در هر دو رمان

دال	مدلول	کارکرد	صفحه
فریادزدن	آگاهی‌دادن به یک امر	تکمیلی	العباسی: ۴۱
فریادزدن	عصبانیت	جانشینی	العباسی: ۹۶
فریادزدن	سرمستی	جانشینی	العباسی: ۱۲۰
سکوت	یادآوری خاطرات گذشته	جانشینی	العباسی: ۷۸
خندیدن	شادی	جانشینی	حسن بیگی: ۱۴
خندیدن	اوضاع دلخواه	جانشینی	حسن بیگی: ۴۹
فریادزدن	ترس	جانشینی	حسن بیگی: ۱۸۷
فریادزدن	درد	جانشینی	حسن بیگی: ۴۶، ۵۴ و ۱۶۲
پایین آوردن تَن صدا	مخفی ساختن امری	تکمیلی	حسن بیگی: ۱۱۷

۳. نتیجه‌گیری

ایناس العباسی و ابراهیم حسن بیگی در رمان‌های خویش از حوزه‌های معنایی مرتبط با درون‌مایه رمان بهره برده‌اند. عصبانیت، اضطراب و ترس، ناراحتی، درد، تعجب، تمسخر و تحقیر از بارزترین مضامین به کار گرفته شده در رمان شب ناسور هستند. در رمان منزل بورقیه نیز عصبانیت، ترس و اضطراب، ناراحتی، بی‌تفاوتی، تفکر و هیجان و شادی موضوعات غالب هستند. هر دو نویسنده از ابزارهای مختلف برای بیان این مضامین استفاده کرده‌اند. در این دو رمان در مجموع ۱۷۳ نشانه غیر کلامی مربوط به زبان بدن، به‌وسیله نویسندگان به کار گرفته شده که ۱۲۰ مورد آن مربوط به حسن بیگی و ۵۳ مورد متعلق به العباسی است. این

نشانه‌ها به تفکیک بسامد در جدول زیر شرح داده شده‌اند:

حالات	حسن بیگی	العباسی	حالت	حسن بیگی	العباسی
پیرازبان	۳۲	۱۲	چشم	۱۴	۶
نگاه کردن	۲۲	۳	لامسه	۷	۷
چهره	۱۹	۷	دست	۳	۹
بدن	۱۸	۶	-	-	-

نتایج بیانگر این است که در رمان‌های مورد بحث، حالت‌های پیرازبان و پس از آن حالات چهره و نگاه کردن بیشترین نقش را در انتقال معانی نشانه‌های غیر کلامی ایفا کرده‌اند. بررسی‌ها نشان داد که حسن بیگی برای انتقال پیام خویش، بیشترین بهره را از عناصر پیرازبان و کمترین بهره را از ابزار دست برده است. العباسی نیز در رمان خویش، بیشتر حالت‌های پیرازبان را به کار گرفته و کمتر به حالت‌های نگاه کردن توجه نشان داده است.

هر دو نویسنده برای شخصیت‌پردازی شخصیت‌های اصلی و فرعی رمان خویش از عناصر غیر کلامی بهره برده‌اند؛ العباسی با استفاده از افعالی مانند اشک ریختن یا ضربه زدن با مشت به دیوار، ناراحتی جهان از مرگ پدر را به تصویر کشیده و در کنار آن با استفاده از ابزارهای مختلفی مانند سیگار و لرزیدن دست، اضطراب و ترس حاکم بر شخصیت صوفیا را به نمایش گذاشته است. شخصیت عمّه نیز در این رمان با استفاده از عناصری مانند خنده و لمس کردن جهان به نشانه محبت و علاقه، شخصیتی مهربان و دلسوز نشان داده شده است. در سوی دیگر، حسن بیگی نیز سعی کرده است با استفاده از حالات مختلف پیرازبان و نوع نگاه کردن شخصیت ظالم و ستم‌پیشه اصغر ضحاک را به مخاطب خویش نشان دهد. داشتن ریش و تسبیح شاه مقصود یکی از ابزارهای او برای نشان دادن شخصیت‌های اسلامی و سیگار کشیدن و بوی مشروب، نشانه‌ای برای جلادان ساواک است. چشم‌های زیبا و داشتن چادر یکی دیگر از ابزارهای حسن بیگی برای توصیف شخصیت فریبا علیپور بوده است.

حاصل پژوهش نشان می‌دهد کارکرد جانشینی ۱۳۴ بار و تکمیلی ۴۰ بار به کار رفته است؛ البته این امر طبیعی است؛ زیرا کارکرد جانشینی به طور معمول در بسیاری از پیام‌ها، جایگزینی مناسب برای بیان پیام و انتقال آن به مخاطب است. سایر کارکردها نیز در هر دو رمان بازتاب خاصی نداشته‌اند.

کارکرد	حسن بیگی	العباسی
جانشینی	۸۹	۳۱
تکمیلی	۴۴	۹

۴. پی‌نوشت‌ها

(۱) ایناس العباسی، نویسنده و شاعر و مترجم تونس است که در سال ۱۹۸۲ در تونس زاده شده است. تاکنون آثار زیر در زمینه شعر و رمان از وی به چاپ رسیده است: أسرار الريح (۲۰۰۴)، أرشیف الأعمى (۲۰۰۷)، حکایات شهرزاد الکوریة (۲۰۰۹)، هشاشة (۲۰۱۳)، شهقة کحلّ (۲۰۱۵)، إشکل (۲۰۱۶)، منزل بورقبة (۲۰۱۸)؛ همچنین برخی آثار نیز در زمینه ترجمه از وی چاپ شده است: روأ نهر صغیر از رمان‌نویس ویتنامی کیم توی (از فرانسه)، صرخة صامئة از آنجلا مارسونز (۲۰۱۶)، شجرتي شجرة البرتقال الرائعة از ژوزه مائورو ده واسکونسوس (۲۰۱۷) (سایت الآداب، ۲۰۲۲).

(۲) ابراهیم حسن‌یگی به سال ۱۳۳۶ در یکی از روستاهای شهرستان گرگان متولد شد. سفر به کردستان در سال ۱۳۶۴، سرآغاز حرکت نوینی برای این نویسنده می‌شود. حاصل این سفر، دریافت حس و حال‌ها و سوژه‌های داستانی خوبی برای وی می‌شود. بعدها این سوژه دستمایه بیشتر داستانهای کوتاه وی قرار می‌گیرد. حسن‌یگی در سال ۱۳۶۴ وارد دانشگاه می‌شود و در رشته زبان و ادبیات فارسی (کارشناسی) به ادامه تحصیل می‌پردازد. وی در سال ۱۳۶۷ به دفتر انتشارات کمک آموزشی وزارت آموزش و پرورش منتقل می‌گردد تا به عنوان کارشناس بخش داستان انتشارات «مدرسه» مشغول به کار شود. گفتنی است وی تا به حال در مسابقات و جشنواره‌های متعددی شرکت کرده و موفق به کسب جوایزی هم شده است. کتاب «ریشه در اعماق» او در طی سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۷۷، ۱۳۷۹ و ۱۳۸۱ به عنوان کتاب برگزیده ۲۰ سال داستان‌نویسی انقلاب و دفاع مقدس انتخاب شده و جوایز متعددی کسب کرده است (سایت سوره مهر با تلخیص، ۱۴۰۱).

منابع

احدیان، محمد (۱۳۷۴). *مقدمات تکنولوژی آموزشی*. چاپ دوازدهم. تهران: نشر و تبلیغ بشری.

آذری، غلامرضا؛ نیان، فاطمه (۱۳۹۰). تحلیل محتوای ارتباطات غیر کلامی شخصیت‌های آثار برگزیده سیمین دانشور. *فرهنگ ارتباطات*، ۱ (۲)، ۱۰۳-۱۴۴.

آرژیل، مایکل (۱۳۷۸). *روان‌شناسی ارتباطات و حرکات بدن*. ترجمه مهناز حیدری. تهران: مهتاب.

اسمیت، آلفرد. جی. (۱۳۸۱). *ارتباطات و فرهنگ*. ترجمه اکرم هادی‌زاده و همکاران. جلد ۲. تهران: سمت.

باوان‌پوری، مسعود؛ غیبی، عبدالاحد؛ حاجی‌زاده، مهین؛ پروینی، خلیل (۱۳۹۹). الاتصال غیر اللفظي في رواية موت صغیر محمد حسن علوان دراسة سيميولوجية. *بحوث في اللغة العربية*، ۱۲ (۲۳)، ۱۰۹-۱۲۴.

پهلوان‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۶). ارتباطات غیر کلامی و نشانه‌شناسی حرکات بدنی. *زبان و زبان‌شناسی*، ۳ (۶)، ۳۴-۱۳.

پیس، آلن؛ پیس، باربارا (۱۳۸۷). *کتاب جامع ارتباطات غیر کلامی (زبان بدن)*. ترجمه فریرز باغبان. مشهد: پژوهش توس.

حسام‌زاده، منصور همایون (۱۳۹۱). *زبان بدن، بایدها و نبایدهای زبان بدن*. چاپ سوم. تهران: پورنگ.

حسن‌یگی، ابراهیم (۱۳۹۷). *شب ناسور*. چاپ دوم. تهران: موزه عبرت ایران.

خلاف، جلول (۲۰۱۹). قنوات الاتصال غیر اللفظي في القرآن الکريم دلالاته وتأثيره. *مجلة المعيار*، ۲۳ (۴۵)، ۲۳۷-۲۱۰.

ریچموند ویرجینیا بی؛ مک کروسیکی، جیمز سی (۱۳۸۸). *رفتارهای غیر کلامی در روابط میان فردی (درس‌نامه)*

- ارتباطات غیر کلامی). ترجمه فاطمه سادات موسوی و ژیلایه پور. چاپ دوم. تهران: داتره. سالاری فر، محمدرضا؛ آذربایجانی، مسعود؛ موسوی اصل، سید مهدی؛ عباسی، اکبر؛ کاویانی، محمد (هیئت مؤلفان) (۱۳۸۲). *روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*. تهران: سمت.
- سامووار، لاری؛ پورتر، ریچارد، استفانی، لیزا (۱۳۷۹). *ارتباط بین فرهنگ‌ها*. ترجمه غلامرضا کیانی و اکبر میرحسینی. تهران: باز.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۲). *نشانه‌شناسی کاربردی*. تهران: قصه.
- العباسی، ایناس (۲۰۱۸). *منزل بورقبیه*. بیروت: دار الساقی.
- علیپور ملاباشی، یاور (۱۳۹۸). وبلاگ ارتباطات اجتماعی. آخرین بازدید ۱۳۹۹/۰۸/۰۲. <http://ertebatemosbat.blogfa.com/post/16>
- فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۴). *ارتباطات انسانی (مبانی)*. تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- فرهنگی، علی اکبر (۱۳۷۵). *ارتباطات غیر کلامی - هنر استفاده از حرکات و آواها*. میبد: دانشگاه آزاد اسلامی.
- کاتلر، جفری (۱۳۸۰). *زبان اشک‌ها (نگاهی روان‌شناختی به گریستن)*. ترجمه طاهره جواهرساز. تهران: جوانه رشد.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۰). *الگوی نمادین و غیر کلامی در تعلیم و تربیت نامریی*. تهران: منادی تربیت.
- لطفی، علی (۱۳۸۹). قرآن و حدیث: چهره و ارتباط غیر کلامی در آموزه‌های قرآنی. *مجله مشکوة* (۱۰۹)، ۲۸-۸.
- لیتل جان، استیفن (۱۳۸۴). *نظریه‌های ارتباطات*. ترجمه سید مرتضی نوربخش و سید اکبر میرحسینی. تهران: جنگل.
- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۵). *ارتباط‌شناسی؛ میان فردی، گروهی، جمعی*. تهران: سروش.
- ویکر، رابرت (۱۳۸۸). *چگونه دیگران را متقاعد کنیم؟ با گفتن و نوشتن*. ترجمه مژگان قشقایی‌پور. چاپ دوم. تهران: افراز.
- یول، جورج (۱۳۷۸). *بررسی زبان*. ترجمه محمود نورمحمدی. تهران: راهنما.

References

- Ahadian, M. (1995). *Introduction of educational technology*. 12th edition Tehran: Boshra publishing and advertising (In Persian).
- Al-Abbasi, I. (2018). *Bourguiba's house*. Beirut: Dar ul-Saqi (In Arabic).
- Alipour Molabashi, Y. (2018). *Social communication blog*. Last visit 02/08/2019. <http://ertebatemosbat.blogfa.com/post/16> (In Persian).
- Argyle, M. (1999). *Bodily Communication*. Translated by Mahnaz Haydari. Tehran: Mahtab (In Persian).
- Azari, Gh. & Nabiyan, F. (2010). Content Analysis of Non-Verbal Communication of Characters of Selected Works of Simin Daneshvar. *Culture of Communication*, 1 (2), 103-144 (In Persian).
- Bavanpouri, M., Ghaibi, A., Hajizadeh, M. & Parvini, Kh. (2019). A Study of the Semiotics of Non-Verbal Communication in the Novel Mawton Saqiron by Mohammad Hasan Alvan. *Researches in Arabic Language*, 12 (23), 109-124 (In Arabic).

- Farhangi, A. A. (1995). *Human communication (basics)*. Tehran: Rasa Cultural Services (In Persian).
- Farhangi, A. A. (1996). *Non-verbal communication - the art of using gestures and sounds*. Maybod: Islamic Azad University (In Persian).
- Hasanbaigi, I. (2017). *Shab-e Nasour*. second edition. Tehran: Ebrat Museum of Iran (In Persian).
- Hossamzadeh, M. H. (2011). *Body language, dos and don'ts of body language*. Third edition. Tehran: Pourang (In Persian).
- Karimi, A. (2010). *Symbolic and non-verbal model in invisible education*. Tehran: Monadi-e Tarbiat (In Persian).
- Khellaf, D. (2019). Non - verbal communication channels in the Holy Quran Significance and impact. . *Al-Meayar*. 23 (45), 210-237 (In Arabic).
- Korte, B. (1997). *Body Language in Literature*. Canadian Cataloguing in Publication Data.
- Kottler, J. A (2001). *The Language of Tears*. Translated by Tahereh Javahersaz. Tehran: Javaneh Roshd (In Persian).
- Litte John, S. W. (2014). *Theories of human communication*. Translated by Seyed Morteza Nurbakhsh and Seyed Akbar Mirhosaini. Tehran: Jungle (In Persian).
- Lotfi, A. (1389). Quran and Hadith: face and non-verbal communication in Quranic teachings. *Mishkat magazine*. (109), 8-28 (In Persian).
- Mohsenianrad, M. (2015). *communication; Interpersonal, group, collective*. Tehran: Soroush (In Persian).
- Pahlavannejad, M. R. (2007). Non-verbal Behaviors and the Semiotics of Body-Gesture. *Language and Linguistics*, 3 (6), 13-34 (In Persian).
- Pease, A. & Pease, B. (2006). *The definitive book of body Language*. Translated by Fariborz Baghban. Mashhad: Tos Research (In Persian).
- Richmond Virginia P. A. & McCroskey, J. C. (2008). *Nonverbal Behavior in Interpersonal Relations*. Translated by Fatemeh Sadat Mousavi and Zhila Abdolapour. second edition. Tehran: Danjah (In Persian).
- Salari Far, M. R., Azarbaijani, M., Mousavi Asl, S. M., Abbasi, A. & Kaviani, M. (2003). *Social psychology with an attitude towards Islamic sources*. Tehran: Samt (In Persian).
- Samovar, Larry A., Porter, R. E. & Stefani, L. A (2000). *Communication between cultures*. Translated by Gholamreza Kiani and Akbar Mirhosaini. Tehran: Baz (In Persian).
- Smith, A. G. (2002). *Communication and culture, readings in the codes of human interaction*. Translated by Akram Hadizadeh Et al. Tehran: Samt (In Persian).
- Sojoodi, F. (2012). *Applied semiotics*. Tehran: Qessa (In Persian).
- Vicar, R. (2009). *How to convince others? By speaking and writing*. Translated by Mozghan Qashqaipour. second edition. Tehran: Afraz (In Persian).
- Yule, G. (2008). *The study of language*. Translated by Mahmoud Noormohammadi. Tehran: Rahnama (In Persian).